

# سخنرانی اربعین حسینی

## جلسه اول

### شهر آیسک

#### آیت الله علی رضایی تهرانی

۱۴۳۹/۰۲/۱۹ هجری قمری مقارن با ۱۳۹۶/۰۸/۱۷

دبیرجلسه: شب اربعین، روح تازه گذشتگان مرحوم و مرحومه شاد و یاد و خشنود و آگاه بفرمایید. به همه کسانی که برای فرهنگ اسلامی، اشاعه فرهنگ اسلامی، زحمت می کشیدند، خداوند ان شاء الله به همه شان سلامتی و موفقیت بیش از پیش عنایت بفرماید ان شاء الله. فردا قبل از شروع مراسم از ساعت هشت و نیم الی نه و نیم به مدت یک ساعت به مناسبت هفتم درگذشت آقایان کارگر و چهلم جناب حاج آقای حسن پور مراسمی در همین مکان برای برادران و خواهران محترمه برگزار خواهد شد، ان شاء الله علاقه مندان محترم شرکت خواهند فرمود.

خیرمقدم و خوش آمد هم عرض می نمایم محضر روحانی بزرگوار حضرت آیت الله رضایی تهرانی که تا دقایق دیگر از محضر حضرت ایشان استفاده کافی را خواهیم برد. نثار ارواح پاک و تابناک شهدای عزیز اسلام از صدر تا کنون، شهدای انقلاب اسلامی، شهدای مدافع حرم، شهدایی که زینت بخش این محفل هستند و این مکان شریف و برای شادی روح امام شهدا، یادگاران عزیزشان، همسر حضرت امام، جمیع و وابستگان و تازه گذشتگان مرحوم و مرحومه و همه اموات کسانی که برای مراسم عزاداری اربعین حسینی و اطعام فردا بانی شدند، کمک کردند، مخصوصاً شادی روح مرحوم مغفور محسن آقای نوری که بستگانشان نقش پررنگ تری در این موضوع داشتند، اموات خودتان، اموات مؤمنین و مؤمنات، اموات حضرت آیت الله رضایی که از محضرشان فیض خواهیم برد، اموات برادر عزیز مداح ما جناب آقای لارایی، اموات خودتان، اموات امام جمعه محترممان که دعوت می کنند از این بزرگواران و ما را به فیض می رسانند، اموات همه حضار گرامی بخوانید سوره فاتحه مع اخلاص و صلوات. «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ».

استفاده می کنیم از محضر آیت الله رضایی تهرانی بازهم با ذکر صلوات بر محمد و آل محمد (صلی الله علیه و آله).

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ».

«سلام علیکم ورحمة الله

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَحْمَدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ عَلَى النَّبِيِّ الْأَعْظَمِ وَتَتَبِعَهُ الْعَالَمُ

هادي السُّبُلِ وَمُنْجَى الْبَشَرِ، سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، حَبِيبِ إِلِهِ الْعَالَمِينَ، إِبْرَاهِيمَ الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى مُحَمَّدٌ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَعَلَى

إِلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ الْمُكْرَمِينَ وَلَعَنُ الدَّائِرَةَ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ، مِنْ أَلَانِ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ.

قال الامام صادق (عليه السلام): وَقَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مَنْ غَرَّتْهُ الدُّنْيَا وَبَاعَ حَظَّهُ بِالْأَذَلِّ الدَّنِيِّ».

شب اربعین حسینی است، ان شاء الله در این دنیا موفق به زیارت حضرت و در آن دنیا مشمول شفاعت حضرت بوده باشیم، به برکت صلوات بر محمد و آل محمد (صلی الله علیه و آله).

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ».

تمامی چهارده معصوم پاک ما از طرف خود اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) زیارت نامه دارند، از رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) گرفته تا امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف). اما از نظر تعداد و کمیت زیارت نامه ها هیچ معصومی به اندازه سیدالشهدا (سلام الله علیه) زیارت نامه ندارد، یعنی تعداد زیارت نامه های امام حسین (علیه السلام) بسیار بیشتر است از تعداد زیارت نامه های تک تک اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام).

به هر مناسبتی برای امام حسین (علیه السلام) هم زیارت مستحب اعلام شده هم اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) زیارت نامه فرمودند. بعضی از این زیارت‌ها هم سرش برای ما معلوم نیست، مثلاً روز سوم شعبان زیارت سیدالشهداء (علیه السلام) مستحب است، چرا؟ چون روز ولادت امام حسین (علیه السلام) است؛ اما نمی‌دانیم چرا روز اول رجب زیارت مستحب است، چرا روز اول شعبان زیارت مستحب است.

ولی این را می‌دانیم که بیشترین تعداد زیارت‌نامه‌ها از آن اباعبدالله (علیه السلام) است، کأن حسین بن علی (سلام الله علیه) به عنوان اسلام مجسم و رمز بقای اسلام باید مورد بیشترین توجه قرار بگیرد. یکی از زیباترین و شیواترین زیارت‌نامه‌های سیدالشهداء (سلام الله علیه) زیارتی است که فردا و امشب از دور و نزدیک همه عشاق اباعبدالله (علیه السلام) این زیارت‌نامه را قرائت می‌کنند. راوی زیارت صفوان جمال است که از بزرگ‌ترین اصحاب امام صادق و امام کاظم (علیهم السلام) است و این زیارت را مرحوم شیخ طوسی در کتاب تهذیب نقل کرده است. عزیزان پای منبر بزرگ شدند. اهل سنت شش تا کتاب معتبر بعد از قرآن برای خودشان دارند اما شیعیان چهارتا کتاب معتبر (دارند)، آن‌ها صحاح سته، ما کتب اربعه؛ ولی به فضل اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام)

فقط یک کتاب از کتب اربعه ما یعنی کافی، روایاتش از مجموع آن شش تا کتاب بیشتر است! این قدر روایت شیعه زیادتر است. در کتاب تهذیب که یکی از کتب اربعه است، مرحوم شیخ طوسی شیخ الطائفه بزرگ شیعه این زیارت را نقل کردند، در کتاب «مُصْبِحُ الْمُتَهَجِّدِ»، که مادر کتاب‌های دعا است، یعنی اگر ما مفاتیح داریم، چون مصباح داریم، اگر ما اقبال سید بن طاووس داریم، چون مصباح داریم. در این دو تا کتاب شیخ الطائفه این زیارت را نقل کرده است.

دیروز مقام معظم رهبری در درس خارجشان تبیین فرمودند نسبت به زیارت اربعین، زیارت خوش مضمون اربعین، از نظر مضامین و از نظر محتوا و مطالب خیلی زیارت خوش مضمونی است. در این فرصت اندکی که من امشب در اختیار دارم، بخشی از این زیارت را با هم مرور می‌کنیم. بازهم نثار روح سید و سالار شهیدان هدیه کنیم صلوات بر محمد و آل محمد (صلی الله علیه و آله).

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ».

در این زیارت یک سؤال به‌خوبی جواب داده شده است. سؤال این است که چه کسانی آمدند اقدام به حسین گشتی کردند و چرا این کار را کردند؟

خب این سؤال مگر امروز به درد ما می‌خورد؟

بله. کسانی که اقدام به کشتن اباعبدالله (علیه السلام) کردند، یک روز باورشان نمی‌شد در مقابل امام حسین (علیه السلام) بایستند، تصور نمی‌کردند، اما ایستادند و این جنایت را مرتکب شدند، جنایتی که روایات ما می‌گوید وقتی انجام شد آسمان‌ها گریست، زمین گریست، ماهیان دریا گریستند، کوه و دشت و صحرا گریستند. در شهادت دو نفر فقط این اتفاق افتاده است که در بعضی نقاط عالم هر سنگی را از روی زمین برداشتند زیرش خون تازه یافتند، یکی در شهادت امیرالمؤمنین (علیه السلام)، یکی در شهادت امام حسین (علیه السلام).

استادی در قم تدریس می‌کرد، مرحوم آیت‌الله وجدانی فخر، من ایشان را دیده بودم. این بزرگوار می‌گفت من روز عاشورا در قم داشتم راه می‌رفتم دیدم مرحوم علامه طباطبایی از قبرستان، از سر قبر همسرشان عصر عاشورا برگشتند، حال منقلبی داشتند، به من فرمودند آقای وجدانی فخر امروز چه روزی است؟ گفتم روز عاشورا است. فرمودند می‌دانی در روز عاشورا همه‌چیز بر سیدالشهداء (علیه السلام) گریستند؟

همه‌چیز برای امام حسین (علیه السلام) گریه کرد و سنگ‌ها خون گریه کردند؟

گفتم بله آقا در روایت داریم. خم شدند مرحوم علامه طباطبایی، مفسر قرآن، مفسر کبیر قرآن خم شدند، یک سنگ از روی زمین برداشتند مثل پنیر از وسط نصف کردند و من داخل سنگ را نگاه کردم، فرمودند که ببین. مرحوم آقای وجدانی فرمودند که داخل سنگ خون بود و من این خون را دیدم. فرمودند ببین که امروز عاشورا است.

جنایت، جنایت عظیمی بود، جنایت بزرگی بود!

سؤال این است که چه کسانی و چرا آمدند به مبارزه و به جنگ با اباعبدالله (علیه السلام) و این جنایت را رقم زدند؟

در این زیارت که به تعبیر مقام معظم رهبری خوش مضمون است و امام صادق (علیه السلام) شش خصلت، شش صفت برای حسین کش‌ها، برای کسانی که عاقبت کارشان به حسین کشی می‌انجامد، بیان کرده اند.

عبارت زیارت اربعین این است «وَقَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مَنْ عَرَّتَهُ الدُّنْيَا»، چه کسانی پشت به پشت هم دادند، در کربلا آمدند و سبط پیغمبر (صلی الله علیه و آله) را روز روشن کشتند؟ آن هم به تعبیر امام سجاد (علیه السلام)، در سخنرانی جلوی یزید فرمود پدر من را به قتل صبر کشتند. سیدالشهداء (علیه السلام) با قتل صبر کشته شد. قتل صبر در عرب‌ها این بود که یک جاننداری را وقتی می‌خواستند جاننش را بگیرند از سر لهو و لعب برای بازی، این را در یک گودالی می‌انداختند، هر که هر چه داشت می‌زد، نیزه می‌زد، سنگ می‌زدند، تیر می‌زدند، این طور می‌کشتند. امام سجاد (علیه السلام) فرمود پدر من این طور کشته شد. چرا؟، چه خصلت‌هایی باعث شده بود این‌ها این قدر پست بشوند به این جا بکشند؟

۱. فرمود این‌ها کسانی بودند که گول دنیا را خوردند. دنیا گولشان زده است. پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «الدُّنْيَا تَعْرُو تَضْرُو وَتَمُرُّ»، دنیا سه تا خصوصیت دارد: زود می‌گذرد. من الان در صورت‌ها دارم نگاه می‌کنم غالب صورت‌ها موی سفید دارند، اهل بیت (علیهم السلام) فرمودند که موی سفید پیک است، من هم دارم. پیک چه چیزی است؟ فرمود پیک مرگ است. «الْمَشِيْبُ رَسُوْلُ الْمَوْتِ ۲».

دیدید کنار گوشت سفید شد، قدیمی‌ها می‌گفتند این پنبه است. در گوش مرده پنبه می‌گذارند و پنبه است، فعلاً کنار گوش آمده است، یک روز دیگر داخل گوش می‌رود. اکثراً موی سفید داریم، این پیک مرگ است. امروز و فردا می‌گویند بلند بگو لا اله الا الله. به عزت شرف لا اله الا الله، مشهدی حسن آقا رفت. فرمود زود می‌گذرد، «الدُّنْيَا تَعْرُو تَضْرُو وَتَمُرُّ»، کار دنیا این است که انسان را بدبخت کند، ضرر بزند، بیچاره کند، گول می‌زند. امام صادق (علیه السلام) فرمود حسین‌کُش‌ها کسانی بودند که گول دنیا را خوردند، دنیا گولشان زد!

چه کارکنیم دنیا گولمان نزند؟، چه کار کنیم ما را گول نزند؟ راهش این است در دنیا باید زندگی کرد، در دنیا باید خوشبو بود و خرم بود؛ ولی در دنیا نباید به دنیا دل بستگی پیدا کرد.

خدا رحمت کند بزرگ مرحوم خواجه نصیرالدین طوسی را، اگر حرم در کاظمین رفتید، پست سر امام کاظم و امام جواد (علیهما السلام) یک قبر نورانی است، قبر مرحوم خواجه نصیرالدین طوسی بزرگ علمای شیعه است. این مرحوم خواجه نصیر سالیانی وزیر بود، وزیر هلاکوخان بود، نخست‌وزیر بود، به مقتضای شأن وزارتش در قبیله خود نود رأس اسب سرخ‌مو داشت. من اسب شناس نیستم ولی از تاریخ این‌طور به دست می‌آید که اسب سرخ‌مو در آن زمان مثلاً مثل مرسدس بنز امروز است، مثلاً یک ماشین چندمیلیاردی، مثلاً این جوری. در یک مجلسی نشسته بود، یک خشک مقدسی که خدا کمر این خشک مقدس‌ها را بشکند. خوارج خشک مقدس بودند، یک نفر در اصحاب امام حسین (علیه السلام) خشک مقدس نبود، اصحاب امام حسین (علیه السلام) داش منش بودند اما خشک مقدس نبودند. یکی از این خشک مقدس‌ها، خوارج گونه، داعش گونه در جلسه نشسته بود، به خواجه نصیر رو کرد گفت جناب خواجه به ما گزارش دادند که شما در قبیله شما در جای نگه‌داری اسب‌ها نود رأس اسب سرخ‌مو دارید!

حالا جلوی این جمعیت می‌خواهد جناب خواجه را آبرویش را ببرد، محکوم کند. مرحوم خواجه نصیر یک جمله گفت که این درس برای من و شما شده که بنده از مشهد بلند شوم، آیسک بیایم، روی منبر این جمله را به شما بگویم و شما هم یاد بگیرید. خواجه فرمود درست است در طویله ما نود رأس اسب سرخ‌مو است اما بدان میخ افسار این اسب‌ها در گلی کوفته است، نه در علم. بارک‌الله، میلیاردی هستید، باشد. ده هکتار زمین زعفران دارید، حالا آن را صد هکتار بکنند. به این جا گره نزن، به این قلبت نبندش که اگر گره زدی، خمس نمی‌دهی، زکات نمی‌دهی، حق یتیم نمی‌دهی، حق سائل نمی‌دهی.

«الَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ» (۲۴) «لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُورِ» (۲۵) «۳».

فرمود کسانی را بردند حسین کُشی که دل به دنیا بسته بودند، چون دل به دنیا بسته بودند، گول می‌خوردند، گول دنیا می‌خوردند.

قبل از روز عاشورا سیدالشهداء (علیه السلام) ابن‌سعد را خواست، وسط دو تا لشکر جلسه کردند، مذاکره هم نبود، حضرت خواستند امر به معروف کنند، نهی از منکر کنند، ارشاد جاهل کنند، نه اینکه بخواهند بده

بستان داشته باشند، به او فرمودند کار تو غلط است، کار تو اشتباه است، این کار را نکن. حسین گُشی کار آسانی نیست، گفت حتماً بنی امیه اموال من را در کوفه می گیرند. حضرت فرمودند بهتر از آن را در مدینه به شما خواهم داد. باغم را می گیرند، فرمودند باغ بهتری به تو می دهم. اما نمی تواند دل بکند، می خواهد ملک ری را داشته باشد.

امروزه ری در کنار تهران حقیقتاً خورده شده است. ری در زمان عمر بن سعد طبق نقل تاریخ، شهری است که آنقدر بزرگ است طبق تاریخ هزار مسجد در او بوده است، بازارهای تخصصی داشته است، بازار پارچه فروش ها، بازار گندم فروش ها، یک منطقه آباد (بوده است!) و ری آن زمان تا گردان را زیر سیطره خود داشته است. لقمه، لقمه چربی بوده است! عمر بن سعد گفت نمی کنم. وقتی خواست برود، حضرت فرمودند از ملک ری نخواهی خورد، از گندم ری نخواهی خورد. همین هم شد!

کسانی آمدند ابوعبدالله (علیه السلام) را کشتند که بعد که ابن زیاد خواست برای اینها مقرر مقرر کند برای بعضی هایشان در ماه به اندازه یک سیر جو بود، برای بعضی هایشان در ماه به اندازه دو کف جو مقرر کرد! یعنی برای دو کف جو در ماه آمده است حسین ما را کشته است. این دنیا گولش زده است؟ فرمود «وَقَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِمْ مِنْ عَرَّتِهِ الدُّنْيَا»، کسی که دنیا گولش زده است. باید مواظب باشیم دنیا گولمان نزند. راهش این است به دنیا دل بستگی پیدا کنیم، اگر دل بسته شدیم، این دل بستگی ما را بیچاره می کند. چه بس انسان کرور کرور اموال داشته باشد اما آزاد است، حر است، گاهی هم ممکن است من چیزی ندارم اما به آن که دارم دل بسته ام! این دست من را نمی گیرد، من را بیچاره می کند.

۲. دوم فرمود کسانی آمدند امام حسین (علیه السلام) را کشتند که در یک معامله سفیه بودند. ما سفیه به چه کسی می گوئیم؟

سفیه به آدمی که مالش را مفت از دست می دهد. داریم، در مشتش چیز گران بها بود، همان چیز گران بها را مفت از دست می دهد، مفت!

این آدم سفیه می شود و لذا در فقه ما اجازه نداریم بگذاریم آدم سفیه بر اموالش تصرف کند، حکومت دخالت می کند و اموالش را ضبط می کند، می گوید تو نمی توانی مدیریت کنی، تو نمی توانی مالت را درست بگیری، تو سفیه هستی.

امام صادق (علیه السلام) فرمود کسانی که در یک معامله سفیه بودند، آمدند حسین کشی. آن معامله چه بود؟ اینها نتوانستند بهره خودشان را از دنیا نسبت به آخرت از دنیا نسبت به آخرت مدیریت کنند. آمدند معامله کردند، دنیا را در مقابل آخرت گرفتند، آخرت را از دست دادند. این انسان سفیه است. نادر وقتی عراق را فتح کرد زیارت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در نجف رفت، در نجف که داشت می رفت به ابراهیم خارکن برخورد کرد. ابراهیم خارکن از آن کسانی است که اهل دل، اهل معنا، اهل زهد و اهل توجه است، همین جور که روی اسبش نشسته بود، متکبرانه داشت می رفت به ابراهیم رسید، آنهم کوله پشتی خار روی دوش گرفته است برود در بازار بفروشد، یک نان حلالی به دست بیاورد. به ابراهیم رو کرد گفت که آقای ابراهیم حرفی با شما دارم. گفت بفرمایید جناب شاه. گفت که شما خیلی مرد هستی!! ابراهیم گفت چرا؟

گفت که شما مرد هستی، چون از دنیا گذشتی. ابراهیم گفت اتفاقاً شما هم مرد هستید که از آخرت گذشتید، نه اینکه که ما مرد هستیم. دنیا یک روز تمام می شود، الان از این آقایانی که شصت هفتادسال عمرشان است بپرس آقای شب عروسی ات یادت است؟

می گویند انگار دیشب بود. حاج آقای امام جمعه محترم جلسه انگار همان دیروز بود داشتیم برای جمرات می رفتیم، نزدیک رمی جمرات که شدیم من دعا می خواندم، روحانی کاروان بودم دیگر، «اللهم إني أعوذُ بِكَ من شرِّ شيطانٍ و من همزاتِ الشَّيَاطِينِ»، دیدم خب موقعی است، مردم همه گوش می کردند، همه زیر خنده زدند، دعا می گفتیم مردم هم جواب می دادند «اللهم إني أعوذُ بِكَ»، می خواستیم رمی جمرات برویم، شیطان را بزینیم، گفتیم من شرِّ شيطانٍ و من شرِّ ابترنت و من شرِّ تلگرام و من شرِّ ماهواره، خلق الله زیر خنده زدند! سه ماه، دو ماه گذشته است انگار دیروز بود، عمر همه اش این است.

امام صادق (علیه السلام) فرمود حسین گش‌ها کسانی بودند که سفیه بودند، نتوانستند بفهمند که آقای محترم، خانم محترمه شما شمعی که بسوزی و تمام بشوی نیستید. این یک جمله را از من امشب یادگار تا آخر عمرتان داشته باشید، ما بنده تمام‌شدنی نیستیم، یعنی چه؟

یعنی اگر به من بگویند جناب شیخ شما هستی‌ات و وجودت چقدر امتداد دارد؟، صدسال؟ می‌گویم برو بالا. هزار سال؟

می‌گویم برو بالا. یک میلیارد سال؟

می‌گویم برو بالا. صد تریلیارد سال؟

می‌گویم برو بابا، من پایان ندارم. خدا ابدی است، من هم ابدی هستم. می‌گوید در این صد تریلیارد، هزار تریلیارد، هزار میلیارد تریلیارد که در چه قابی هستید؟، در چه وضعی هستید؟

می‌گویم یک شصت سال به من وقت دادند گفتند در این شصت سال می‌توانی هر جور می‌خواهی باشی، خودت تصمیم بگیری بهشتی باشی کنار سیدالشهداء (علیه السلام) یا جهنمی باشی کنار صدام، دست خودت است. فرصت هم همین قدر است. قرآن می‌گوید هرکسی را در قبر بگذارند از این آدم بدها، تا

در قبر می‌رود چشم‌هایش باز می‌شود. «النَّاسِ نِيَامُ فَإِذَا مَا تَوَاتَوْا نَسَبُهَا ۴»، تازه بیدار می‌شود، پشیمان می‌شود،

می‌گوید: «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ (۹۱) لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ... ۵»، خدایا می‌شود من برگردم و کار خوبی بکنم؟

جواب یک کلمه است، «کَلَّا»، خیر. آن موقع که باید می‌فهمیدی چرا نفهمیدی؟

عمر به تو دادیم، پای منبر بودی فهمیدی، «أَوَلَمْ نَعْمَرْكُمْ مَّا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَن تَذَكَّرَ ۶»، پس حسین گش‌ها سفیه بودند.

«بَاعَ حَظَّهُ بِالْأَذَىٰ وَالْآذَىٰ خَيْرٌ لَهُ بِاللَّيْمَنِ الْأَوْكَسِ».

۳. سومین صفت حسین گش‌ها فرمود که «وَتَغَطَّرَسَ»، یعنی چه؟

یعنی کسانی که سراغ دشمن اباعبدالله (علیه السلام) آمدند، اهل تکبر بودند. اصلاً همه انسان‌ها را چه کسی بدبخت کرد؟

شیطان. شیطان را چه بدبخت کرد؟

تکبر، یک کلمه است. به خدا گفت آدمی که از خاک و گل و لجن بد بو ساخته شده است، با من که از آتش ساخته شدم. می‌دانید ما اول خاک بودیم، با آب قاتی‌مان کردند، گل شدیم، این گل‌ها ماند، گندید، لجن

شد، «حَمِيًّا مَسْنُونًا»، همه هم لجن!

حالا این لجن خشک شد، نقاشی روی آن کردند، مجسمه ساختند، به این مجسمه روح دادند، انسان شد، حضرت آدم شد. گفت آن‌که اولش لجن بود با من که از آتش هستم، من بیایم سجده کنم؟! نمی‌شود. با یک تکبر هم خودش را بدبخت کرد هم آدم‌های ما را بدبخت کرد. امام صادق (علیه السلام)

فرمود این‌ها که (برای) کشتن اباعبدالله (علیه السلام) آمدند، «وَتَغَطَّرَسَ»، آدم‌های متکبری بودند، حرف

کسی را گوش نمی‌کردند، در شبانه‌روز عاشورا ده دوازده نفر برای این‌ها سخنرانی کردند، حبیب سخنرانی کرده است، حر سخنرانی کرده است، مسلم بن عوسجه سخنرانی کرده است، زهیر بن قین سخنرانی کرده است، عباس بن علی (علیه السلام) سخنرانی کرده است، خود اباعبدالله (علیه السلام) سه بار سخنرانی کرده

است!

هلهله می‌کردند، نمی‌گذاشتند حرف شنیده بشود. انسان متکبر رشد نمی‌کنند، انسانی که خیال کند همه‌چیز می‌داند، همه‌چیز بلد است، رشد نمی‌کند. انسان اگر تواضع داشت رشد می‌کند.

ما استادی دیدیم در قم خدمتشان تحصیل کردیم، الان سنی از ایشان گذشته است، حضرت آیت‌الله حسن‌زاده آملی، من در زندگی ایشان دقت می‌کردم، دیدم یکی از عوامل موفقیت این مرد بزرگ این است اگر بدانند

یک بچه پنج‌ساله چیزی می‌داند که این حضرت علامه آیت‌الله نمی‌داند، زانو می‌زد، دستش را می‌بوسد و یاد می‌گیرد. زانو می‌زند، دستش را می‌بوسد و یاد می‌گیرد. چه اشکالی دارد؟

من در حاجی‌های مکه داشتم، مادر است، سنی از ایشان گذشته است، پدر است، سنی از ایشان گذشته است، حمد و سوره‌اش غلط است و من خواهم این است حالا جاهای دیگر کشور که دست ما نمی‌رسد، در

آیسک زیر نظر امام جمعه محترم یک نهضت تصحیح حمد و سوره راه بیندازیم، ایشان که در دسترس است، باید، نگذارید برای مکه رفتن، خوب نیست، خوب نیست انسان حمد و سوره اش غلط باشد. یک روحانی کاروانی می گفت من حاجی داشتم برای من حمد و سوره خواند به قل هو الله احد رسید، این جوری می خواند: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ (۱). اللَّهُ الصَّمَدُ (۲)»، (سوره اخلاص)، می بینید می گفت دقیقاً یلمت یولد، یولدت یلم. یا ابوالفضل (علیه السلام)، این یعنی چه؟! یلمت یولد، یولدت یلم. گفتم چه؟

خیال کرد اشتباه گفته است، گفت من از بچگی هم قاتی می کردم، اول باید بگویم یلمت یولد یا اول باید بگویم یولدت یلم؟

این شد حمد؟، این شد قل هو الله؟، خب چرا واقعاً! امام رضا (علیه السلام) به محمد بن ابی نصر بَزْنَطی فرمود بلند شو دو رکعت نماز بخوان. از اصحاب امام رضا (علیه السلام) است، راوی است، بزرگ است!

بلند شد نماز خواند. حضرت فرمود بد است شصت سال از عمر انسان بگذرد، دو رکعت نماز نتواند بخواند. خود حضرت بلند شد وضو گرفت، دو رکعت نماز خواند بعد به محمد بن ابی نصر فرمود این جوری باید نماز بخوانید، این جوری باید نماز بخوانید. حمد و سوره هایمان را تصحیح کنیم. حاجی من می آورم، می دیدم نمازش غلط دارد، می گویم بین دخترت پسرت تحصیل کرده تر است، نمازش درست است، از او یاد بگیر. می گوید که حاج آقا خجالت می کشم!

خجالت ندارد، فرزندان است. استاد ما عرض کردم یک بچه پنج ساله را اگر می دید مطلبی می داند که او نمی داند، می نشست، دست او را می بوسید و یاد می گرفت. حسین گُشی یکی از عواملش تکبر بود در آن خطبه ای که زینب کبری (سلام الله علیها) در دروازه کوفه خواندند و کوفیان را معرفی کردند، فرمودند شما متکبرید.

«وهل فیکم إلی سلف»، شما سلف دارید، کبر دارید، غرور دارید.

۴. یک عامل دیگر را عرض کنم، امشب هم کافی است. فرمود امام صادق (علیه السلام) حسین گُشی به پنجه های افرادی جاری شد که اینها صفت چهارمشان این بود، «وَتَرَدَّتْ فِي هَوَاهُ»، یک افساری را نتوانستند خوب مدیریت کنند و آن افسار هوا و هوششان بود. ببینید عزیزان ما فرشته نیستیم. فرشته ذکر خدا می گوید، سیر نمی شود، نماز می خواند، سیراب می شود. امیرالمؤمنین (علیه السلام) در نهج البلاغه فرمود اصلاً غذای فرشته ذکر خدا است، یاد خدا است. ما این طوری نیستیم، ما نصفمان فرشته است، نصفمان حیوان است.

کز فرشته سرشته و ز حیوان

آدمی زاده طرفه معجونی است

خیلی عالی گفته شده است، اگر به سمت حیوانیت رفت، بدتر از حیوان می شود، به سمت فرشته خویی رفت، بهتر از فرشته می شود. چون فرشته نیستیم، چون در ما این انانیت هم هست، ما هوا و هوس داریم، هیچ کسی نمی تواند انکار کند. حرف سر این است عده ای از مردم امیر هوا و هوس هستند، عده ای از مردم اسیر هوا و هوس هستند. من دیدم جوانی را که ده سال عمرش را یک غریزه را کنترل نمی کند و آن غریزه جنسی است، نمی تواند غریزه اش را مدیریت کند، هر عکسی ببیند، هر فیلمی ببیند، هر صدایی نشوند، با هر کسی چت نکند، با هر کسی صحبت نکند، اسیر شده است، اسیر شده است!

آخرش چه می شود؟

روی پل اصفهان می رود و با خنده خودکشی می کند. دختر هم هست!

دخترها باید ترسو باشند، ولی وقتی اسیر هوا و هوس شد، به پوچی می رسد.

بگذارید این را به شما راحت بگویم، محور تمدن امروز دنیا آمریکا است که خدا لعنتش کند. دوستانی که آمریکا رفت و آمد دارند، گفتند تعداد بیمارستان های روانی در آمریکا از تعداد بیمارستان های عادی بیشتر است!

چرا؟ پول ندارند؟

دارند. قدرت ندارند؟

دارند. مکنت ندارند؟

دارند. چه کم دارند؟!

همین که الان امام صادق (علیه السلام) فرمود، غرق در هوا و هوس است، این به پوچی می‌رسد. حسین کُش ها در هوا و هوس افتادند، افتادند ...

تعبیر امام صادق (علیه السلام) این است و «وَتَرَدَّى فِي هَوَاهُ»، تردی یعنی سقوط، در هوا و هوس سقوط کردند. شاید برای شما جالب باشد، تعدادی از کسانی که آمدند امام حسین (علیه السلام) را کشتند، این‌ها در جنگ‌های امیرالمؤمنین (علیه السلام) حضور داشتند، مثل خود شمر. شمر نه تنها در جنگ صفین بود، مجروح بود، چشم چپش آسیب دیده، یعنی نه تنها جنگنده بود و رزمنده، مجروح جنگی بود، جانباز بود. این‌ها که آمدند امام حسین (علیه السلام) را کشتند، ۱۲ هزار نفرشان نامه برای امام حسین (علیه السلام) نوشته بودند!

جان ما فدای تو. چه شد؟

فرمود: «وَتَرَدَّى فِي هَوَاهُ»، هوا و هوس غلبه کرد.

حالا هوا و هوس برای هرکسی یک‌جوری غلبه می‌کند. من روی منبر این مطلب را مقید بودم به عزیزان بگویم، گفتم در ما معمولاً دو سه جا شل دینی، بی‌دینی رخ می‌دهد:

۱. یکی در بحث طلاق و طلاق کشی است، بیاید ببینیم چه خبر است!

اصلاً دینمان را می‌بوسیم کنار می‌گذاریم. چرا؟

۲. یکی در بحث شب‌های عروسی و عروسی گرفتن‌های ما است. اصلاً دین را می‌بوسیم، کنار می‌گذاریم. یعنی منکری نیست که انجام نشود!

از فیلم‌برداری‌های مختلف تا ترانه و آواز تا مطرب و بزنبورقص، یعنی یک شب بی‌دین می‌شویم، شل دین می‌شویم. خیلی برای من تعجب شد که الان چه شد؟

دیروز نامه داده است، امروز آمده حسین (علیه السلام) می‌کشد!

خب من دیروز نماز جمعه بودم، فردا عروسی دخترم است دین و ایمان و خدا و پیغمبر اول زندگی رفت! این طور نباید باشد. فرمود: «وَتَرَدَّى فِي هَوَاهُ»، انسان در هوا سقوط می‌کند و طبیعی است اگر انسان هواپرست

شد، خداپرست نخواهد بود. «أَفَرَأَيْتَ مَنْ أَخَذَ إِلَهُهُ هَوَاهُ»، خدا فرمود بعضی‌ها خدایشان هوای نفسشان است. خدایا ما را از هوا و هوس مبرا بدار.

حضار: الهی آمین.

«وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ. صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا بَنِي رَسُولِ اللَّهِ».

من یک دل‌خوشی دارم، می‌خواهم شما هم این دل‌خوشی را داشته باشید و وارد روضه بشویم. عصر آخرالزمان عصر غارت ایمان است. در عصر آخرالزمان ایمان خیلی زود غارت می‌شود، لذا اهل بیت (علیهم السلام) به ما محک دادند، ملاک دادند، شاخصه دادند، گفتند محکی دستتان می‌دهیم که شما بفهمید آیا ایمان باقی هست یا ایمانتان باقی نیست؟

من این شاخص‌های ماندگاری ایمان را در یک نوشته‌ای جمع کردم، یکی از آن را امشب خدمتان عرض می‌کنم.

اهل بیت (علیهم السلام) فرمودند هرگاه دیدید نام حسین (علیه السلام) که می‌آید دلت می‌ارزد، اربعین که می‌شود اشک جاری می‌شود، عاشورا که می‌شود قرار نداری، آرامشی نداری، بدان هنوز ایمانت در قلبت هست. که

پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «إِنَّ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا»، در دل مؤمنین حرارتی

از کشته شدن حسین خواهد بود که هرگز آن حرارت خاموش نمی‌شود.

یک سلامی خدمت آقا شب اربعین بدهیم، ما جامانده‌های از پیاده‌روی اربعین.

زینب کبری (سلام الله علیها) خدمت عزیزان زمزمه کنم.

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَعَلَى الْأَزْوَاجِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ عَلَيَّكَ مِنِّي سَلَامُ اللَّهِ (بَدَأَ) مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ

وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكَ السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلَى بَنِي الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

زینب رسید کشته بی سر قیام کن  
آقای من.

زینب رسید، کشته بی سر قیام کن  
باز از رگ بریده به خواهر سلام کن

یک اربعین که حرمت من را نداشتند  
تو لااقل به پیری من احترام کن

زینب در این چهل روز پیر شده است!

آغوش تو قرار دلم بود از آن نخست  
دستی برآور و صبر مرا مستدام کن

حسین من.

من خون گرم خویش حلال تو کرده‌ام  
خواهی به شیشه افکن و خواهی به جام کن

نیمی ... بعضی شعرها خودش روضه است.

نیمی زجان گرفته‌ای از من در آن غروب  
برخیز و کار نیمه خود را تمام کن

حسین جانم.

جان داده‌ام ولی نخ معجز نداده‌ام  
برخیز و یک نظر به رخ نیل فام کن

امام سجاد بعدها گزارش کردند فرمودند: در طول این چهل منزل، اگر کسی اشکش جاری می‌شد، اگر کسی آه سردی از دهانش بیرون می‌آمد، با نیزه به سرش می‌کوبیدند.  
حسین من

سایه ندیده سایه او را بلند شو  
خورشید را برای ربابت حرام کن

از حرمله نمی‌گذرم که به خنده گفت  
هان ای رباب بر سر طفلت سلام کن

مرهم شدم برای همه مانده‌ام خودم  
برخیز و زخم‌های مرا التیام کن

هرگز نشد به اشک تو راضی شوم ولی  
این بار گریه بر من و بازار شام کن ۱۰

از زبان حال همه شما، همه داغدار (هستید).

بیچاره اون که حرم رو ندیده

خوش به حال آن‌هایی که الان زیر این گنبد ابا عبدالله (علیه السلام) ایستادند. امشب گذشت، تذکره سال دیگرمان را بگیریم.

بیچاره اون که حرم رو ندیده  
بیچاره‌تر اون که دیده کربلات را

جانم حسینم، حسینم، حسینم.

گفت حسین جان ...

عرض من تمام است، روضه من تمام است.

خدا شاهد است، من همه اسناد کربلا را تک تک بررسی کردم که بینم سوزناک‌ترین جمله‌ای که اهل بیت (علیهم السلام) فرمودند چه جمله‌ای است؟

به نظر من این جمله آمد که زینب کبری (سلام الله علیها) در مقابل یزید فرمود، فرمود یزید این درست است زن و بچه‌ات را پشت دیوارها پنهان کردی اما ما (به این صورت هستیم)؟

تعبیر این است، «بتصفیح وجوه‌هن غیرو عید».

بیچاره اون که حرم رو ندیده  
بیچاره‌تر اون که دیده کربلات را



جانم حسینم، حسینم، حسینم.

عرض من تمام است. وارد مسجدالنبی شد، زینب کبری (سلام الله علیها) از کربلا برگشته است، از شام برگشته است، گفتند زینب می خواهد چه بر خوردی بکند؟

با احترام وارد مسجدالنبی شد، از زیر چادر لباس امام حسین (علیه السلام) را بیرون آورد، یا رسول الله، فرمود یا جداه برای تو خبر ناگواری آورده ام، «قُتِلَ الْحُسَيْن».

«يَا سَمِيكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ الْهَيْ بِحُسَيْنٍ وَأَخْتِهِ زَيْنَبَ الْكُبْرَى وَأَخِيهِ الْعَبَّاسَ يَا اللَّهُ».

در فرج متقم خونش تعجیل بفرما.

حضار: الهی آمین.

قلبش از ما راضی و خشنود بدار.

حضار: الهی آمین.

نایب برحقش مؤید و منصور بدار.

حضار: الهی آمین.

این قلیل توسل ذخیره قبر و برزخ و قیامت ما قرار بده.

حضار: الهی آمین.

خدایا ما را از زائرین اربعین حسینت ثبت و ضبط بفرما.

حضار: الهی آمین.

نام ما را از اقامه کنندگان عزای حسینی ثبت و ضبط بفرما.

حضار: الهی آمین.

خدایا مریض های منظور، ملتمسین دعا، شفای عاجل عنایت بفرما.

حضار: الهی آمین.

شر دشمنان آمریکا، اسرائیل، انگلیس خبیث، داعشی ها، سعودی ها، عربستان را به خودشان باز گردان.

حضار: الهی آمین.

خدایا هر چه خواستیم و نخواستیم درخور کرمت برای ما مقدر و مقرر بفرما.

حضار: الهی آمین.

شهدا و گذشتگان و شهدای این جمع و این شهر، گذشتگان این جمع حاضر، امام راحل، سر سفره کرمت میهمان

بفرما.

حضار: الهی آمین.

بازهم در فرج آقایمان و مولایمان تعجیل بفرما. حضار: الهی آمین.

«وَعَجَلْ فِي فَرَجِ مَوْلَانَا صَاحِبِ الْعَصْرِ وَالزَّمَانِ».

## فهرست منابع

۱. زاد المعاد، جلد ۱، صفحه ۵۳۱.
۲. غررالحکم و درر الکلم، جلد ۱، صفحه ۶۴.
۳. سوره معارج.
۴. خصائص الأئمة عليهم السلام، جلد ۱، صفحه ۱۱۲.
۵. سورم مومنون، آیه ۹۹.
۶. سوره فاطر، آیه ۳۷.
۷. زیارت اربعین.
۸. سوره جاثیه، آیه ۲۳.
۹. مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۱۸.
۱۰. شاعر: موسی علیمرادی.